



شماره ۶ || سال دوم || زمستان ۱۳۹۷

بررسی محوطه‌های هزاره چهارم قبل از میلاد در دشت مریوان

مرتضی زمانی^I

سیروان محمدی قصریان^{II}

(صص: ۳۹-۲۳)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۸

چکیده

در پژوهش حاضر که حاصل از طرح بررسی و بازنگری باستان‌شناسی دشت مریوان است، شواهد جالبی از آثار هزاره چهارم قبل از میلاد (مس سنگی جدید) مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت. پژوهش حاضر با توجه به گاه‌نگاری ارائه شده برای شمال بین‌النهرین و تطابق آن با گاه‌نگاری ارائه شده در گودین تپه انجام شده و دوره‌بندی‌های ارائه شده براساس تطابق شواهد سفالی با این دو حوزه فرهنگی ارائه شده است. دوره مس سنگی جدید براساس گاه‌نگاری شمال بین‌النهرین با واژه Late Chalcolithic و با نام اختصاری LC مشخص شده است که به پنج مرحله از LC1 تا LC5 طبقه‌بندی شده است. LC1 قدیمی‌ترین مرحله آن است که شاخص آن سفال‌های منقوشی است که طبق گاه‌نگاری گودین شامل مرحله گودین IX یا سنت سفالی سه‌گابی است و مرحله LC5، جدیدترین مرحله آن است که با مرحله گودین VI 1 یا فرهنگ سفالی اوروک جدید مشخص شده است. نکته جالب اینکه هیچ اثری از یکی از مراحل اوایل این دوره (گودین LC2-VII/VI3) مورد شناسایی قرار نگرفت و بیشتر محوطه‌ها مربوط به اواسط این دوره (گودین LC3, 4-VI2) هستند. هرچند که بازه زمانی پیشنهادی ما برای این دوره در مریوان تقریباً با بازه زمانی پیشنهادی برای دوره اوروک میانی برابر است، ولی شواهدی دال بر اوروک بودن این آثار در بررسی به دست نیامد (به جز یک محوطه) و تفسیر ما از این آثار، استقرارهای کوچک و منطقه‌ای یکجانشین دوره مس سنگی جدید هستند. تنها در اواخر این هزاره است که شاهد تأثیرات واقعی فرهنگی بین‌النهرینی در منطقه هستیم که نمونه بارز آن تپه ره‌شه (Rasha) است که نمونه‌های جالبی از سفال‌های لبه‌واریخته نوع اوروک جدید از آن به دست آمده است. با نگاهی به ابعاد و اندازه این تپه می‌توان این فرض را محتمل دانست که این محوطه همزمان با دوره اوروک در بین‌النهرین نقش یک استقرار مرکزی در دشت مریوان را ایفا کرده و مابقی محوطه‌های هزاره چهارم قبل از میلاد در دشت مریوان غالباً استقرارهای کوچک این دوره بوده‌اند.

کلیدواژگان: دشت مریوان، مس سنگی جدید، اوروک، بین‌النهرین، تپه‌گودین.

I. کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، پژوهشکده کردستان‌شناسی دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول).
mortezaamani2269@gmail.com

II. دانشجوی دکترای باستان‌شناسی و عضو بنیاد ایران‌شناسی شعبه کردستان.

مقدمه

نخستین فصل از بررسی‌های باستان‌شناسی مریوان به سرپرستی تیمی از دانشگاه بوعلی‌سینا همدان در سال ۱۳۸۱ ش. صورت پذیرفت. در نتیجه این بررسی‌ها آثار و محوطه‌های زیادی از دوره پارینه‌سنگی تا دوره اسلامی مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت، ولی انتشارات حاصل از این پروژه بیش‌تر بر دوره‌های پارینه‌سنگی و نوسنگی تمرکز یافته و اطلاعات کمی در مورد دوره مس‌سنگی و به‌ویژه دوره مس‌سنگی جدید انتشار یافته است. این درحالی است که به دلیل موقعیت ویژه جغرافیایی مریوان و نزدیکی آن به منطقه فرهنگی شمال بین‌النهرین و نیز قرار گرفتن در مسیر یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های ارتباطی غرب ایران می‌تواند نقش مهمی در مطالعات باستان‌شناسی هزاره چهارم قبل‌ازمیلاد غرب ایران ایفا کند.

اهمیت بازه زمانی هزاره چهارم قبل‌ازمیلاد در مطالعات باستان‌شناسی منطقه شرق باستان بر کسی پوشیده نیست. در اواسط و اواخر این هزاره شاهد شکل‌گیری نخستین جوامع شهری در جنوب بین‌النهرین هستیم که این رویداد تأثیراتی را بر مناطق اطراف خود از جنوب غرب و غرب ایران گرفته تا جنوب شرق ترکیه، شمال بین‌النهرین و سوریه داشته است. نگاهی به تاریخچه مطالعات باستان‌شناسی این دوره (اوروک) در غرب ایران به روشنی نشان از تمرکز این مطالعات در منطقه جنوب غرب و محوطه‌های انگشت‌شماری در غرب نظیر تپه‌گودین است و در عرض‌های بالاتر نظیر دشت‌ها و مناطق کوهستانی امروزی استان کردستان اطلاعات بسیار ناچیزی از آثار این دوره در دسترس است. این درحالی است که این مناطق و به‌ویژه ناحیه مرزی مانند مریوان (مرز فرهنگی مابین زاگرس مرکزی، شمال غرب ایران و شمال بین‌النهرین) به دلیل مجاورت با بین‌النهرین شمالی و در مسیر قرارگرفتن یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های ارتباطی شایان توجه بیشتری در ارتباط با مطالعات این دوره است.

پرسش و فرضیه: در بررسی‌های اخیر انجام‌گرفته در این منطقه، محوطه‌هایی از هزاره چهارم قبل‌ازمیلاد شناسایی شدند که با وجود داشتن مشابهت‌های سفالی با دیگر محوطه‌های هم‌دوره در غرب ایران، قرابت‌هایی را نیز با تعدادی از محوطه‌های کاوش‌شده شمال و جنوب بین‌النهرین دارند. چگونگی این شباهت‌ها و تأثیرات این قرابت‌ها تاکنون مورد بحث قرار نگرفته است که پاسخ‌گویی به این ابهامات مشکلات گاه‌نگاری این حوزه را حل می‌نماید که البته در گام‌های بعدی این امر مستلزم انجام کاوش‌های لایه‌نگارانه جهت پاسخ به فرضیات مطرح شده است. همچنین با وجود شباهت‌های یاد شده، اکثریت محوطه‌های بررسی‌شده استقرارهای کوچک و معمولی نیمه اول این هزاره بوده که در چهارچوب گاه‌نگاری دوره مس‌سنگی جدید منطقه قرار می‌گیرند. البته در این میان محوطه‌ای با نام تپه ره‌شه در داخل محدوده شهری امروزی مریوان مورد بررسی قرار گرفت که هم از نظر ابعاد و اندازه و هم شواهد سفالی متفاوت از سایر محوطه‌های بررسی‌شده بود. این تپه با ابعادی در حدود ۳۹۰×۴۸۰ متر و ارتفاع ۳۱ متر از سطح زمین‌های اطراف، بزرگترین اثر شناسایی‌شده در پروژه بررسی ۱۳۹۷ ش. بود. در طی یک نمونه‌برداری از دامنه جنوبی تپه به طرز جالبی تمامی قطعات سفالی جمع‌آوری‌شده از نوع سفال‌های لبه‌واربخته نوع اوروک جدید هستند. برخلاف دیگر آثار بررسی‌شده، همان‌طور که ذکر گردید، به نظر می‌رسد که این استقرارها، استقرارهای یکجانشین معمولی این دوره هستند، اما تپه ره‌شه نمی‌تواند در زمره این استقرارهای معمولی جای داده شود. هرچند که با محدودیت‌های عبور و مرور که پادگان ارتش مریوان وضع کرده، ما به‌ناچار فقط موفق به بررسی قسمت محدودی از تپه شدیم و نتیجه‌گیری تنها براساس این شواهد محدود سطحی منطقی به نظر نمی‌رسد، اما سفال‌های لبه‌واربخته یک شکل و یک اندازه این تپه و نیز موقعیت قرارگیری تپه در مسیرهای ارتباطی یادآور بحث‌های رایج در مطالعات

دوره اوروک است که سردمدار آن‌ها گیلرمو الغازه با نظریه معروف سیستم جهانی اوروک است (Algaze, 1993). بعد از این مقدمه کلی نگاهی به تاریخچه مطالعات منطقه و در ادامه به معرفی محوطه‌های بررسی شده دوره مس سنگی جدید دشت مریوان می‌پردازیم.

روش تحقیق

این پژوهش با تکیه بر پژوهش میدانی و براساس یافته‌های حاصل از برنامه بررسی و شناسایی دشت مریوان که با شماره مجوز ۹۷۱۰۲۵۲۰ در مورخ ۱۳۹۷/۵/۲۴ از پژوهشگاه میراث فرهنگی و با حمایت مالی پژوهشکده کردستان شناسی دانشگاه کردستان، به سرپرستی مرتضی زمانی صادر شده و همچنین بر پایه اطلاعات منتشر شده از پژوهش‌های گذشته و اخیر محققان، به چگونگی وضعیت گاه‌نگاری منطقه‌ای مابین دو حوزه اصلی شمال غرب و زاگرس مرکزی و ارتباطات موجود آن با شمال بین‌النهرین و بحث در رابطه با دوره مس سنگی جدید در این مناطق اقدام شده است.

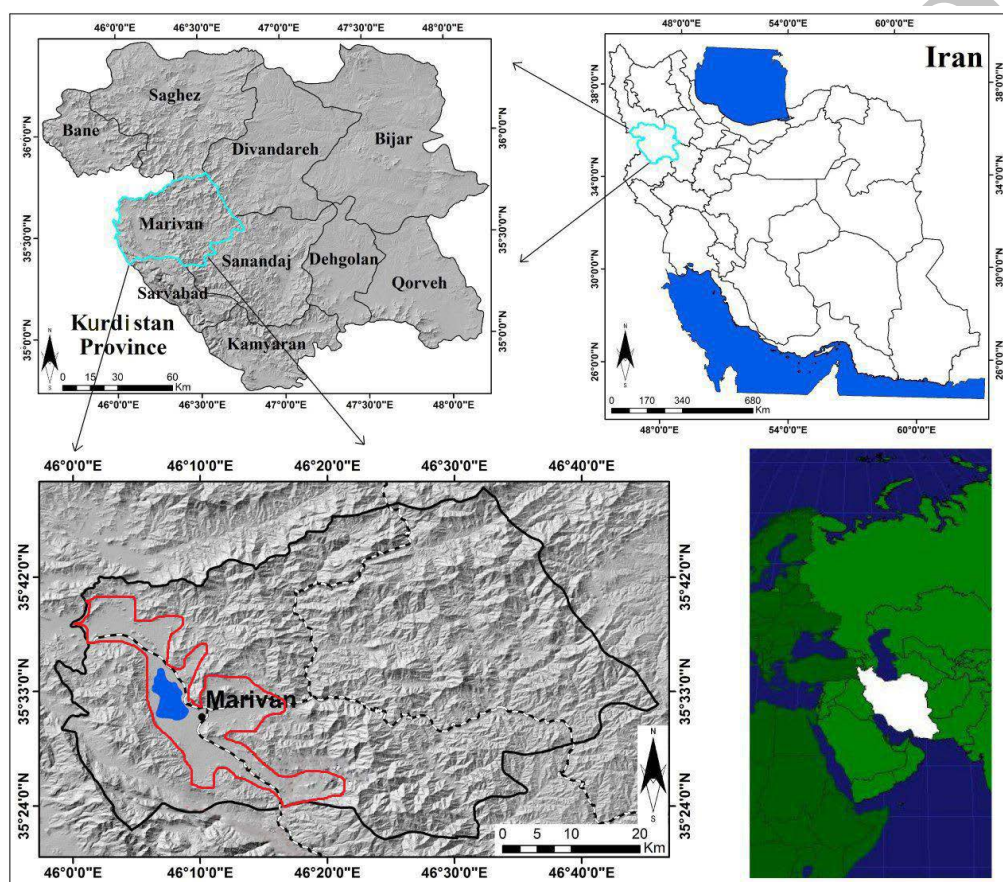
پیشینه پژوهش

نخستین فصل بررسی‌های باستان‌شناسی مریوان توسط هیئتی از دانشگاه بوعلی‌سینای همدان در سال ۱۳۸۱ ش. انجام گرفت (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۸۱). هرچندکه در بررسی‌های یادشده، محوطه‌هایی از دوره مس سنگی شناسایی شد، ولی انتشارات حاصل از این پروژه بیشتر بر محوطه‌های دوره پارینه‌سنگی و نوسنگی تمرکز یافت و کمترین اطلاعات را درباره محوطه‌های دوره مس سنگی و به‌ویژه دوره مس سنگی جدید آن دربر داشته است. با نگاهی به مطالعات انجام‌گرفته در دیگر مناطق استان نیز مشخص می‌شود که تمرکز بیشتر بر دوره‌های قدیمی‌تر دوره مس سنگی و به‌ویژه دوره مس سنگی میانی بوده و توجه کمتری بر دوره مس سنگی جدید بوده است (ساعدموچشی، ۱۳۹۰؛ محمدی‌فر و مترجم (۱۳۹۴)؛ مترجم و شریفی، ۱۳۹۷). البته در این میان استثناهایی وجود دارد، نظیر آنچه که درمورد تپه سرقلعه سروآباد صورت گرفته است. مطالعات صورت‌گرفته بر روی این تپه، شواهدی از وجود سفال نوع اوروک را برای اولین بار در استان کردستان مطرح ساخت (ساعدموچشی و همکاران، ۱۳۹۰). لازم به ذکر است که تپه سرقلعه نزدیک‌ترین اثر اوروکی از نظر موقعیت جغرافیایی به دشت مریوان است و به دست آمدن شواهد قوی‌تری از این فرهنگ در تپه ره‌شه مریوان می‌تواند پایه و اساس مطالعات آتی این دوره در منطقه واقع شود.

موقعیت جغرافیایی

شهرستان مریوان یکی از شهرستان‌های استان کردستان است که در ۱۳۵ کیلومتری غرب شهرستان سنندج واقع شده و در ۴۶ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی و در ارتفاع ۱۲۸۶ متری از سطح دریا واقع شده است. شهرستان مریوان با مساحت ۲۱۹۳،۴ کیلومترمربع ۷،۷۷ درصد از مساحت استان را به خود اختصاص داده است که دارای ۳ بخش، ۲ شهر و شش دهستان است (تصویر ۱). دشت مریوان که شهر کنونی مریوان در آن واقع شده است، از شمال به ارتفاعات بی‌سران و فیله‌قوس و دشت قزل‌چه، از غرب به کوه‌های میراجی، گزسانی و قوچلو، از جنوب به کوه‌های میراجی و بولپانه و از شرق به ارتفاعات مشرف بر دره و رودخانه گاران محدود می‌گردد. این دشت در جهت شمال غربی - جنوب شرقی گسترش پیدا کرده و دریاچه زریبار با جهت شمالی - جنوبی در وسط دشت واقع شده است (تصویر ۲). طرز تشکیل دشت مریوان، نحوه بریدگی اطراف آن، شکل ظاهری، طرز گسترش این دشت،

غیرمنظم بودن آن و نیز عمق زیاد آبرفت (حداکثر ۲۳ متر) با عرض کم نشان می‌دهد که حتماً گسل یا گسل‌هایی باعث افتادگی طبقات و شرایط مناسب برای تشکیل دشت مریوان شده است. البته در تکوین و تکامل دشت نباید نقش آب‌وهوا و آب‌های روان را از نظر دور داشت. بدین ترتیب در زمان‌های پیشین، همزمان و پس از حرکت کوه‌زایی که ساختمان زمین‌شناسی در این منطقه در حین تکوین بوده است. در محل‌هایی که در مسیر آب بوده، لایه‌های سست و نرم وجود داشته و در امتداد لایه‌ها و در قسمت‌هایی که زمین سخت بوده، عمود به امتداد لایه‌ها، دره ایجاد شده است (ملکی و حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۶). این دره‌ها محل مناسبی برای اسکان گروه‌های انسانی و دارای شرایط مناسب زیستی برای امرار معاش این جوامع هستند.

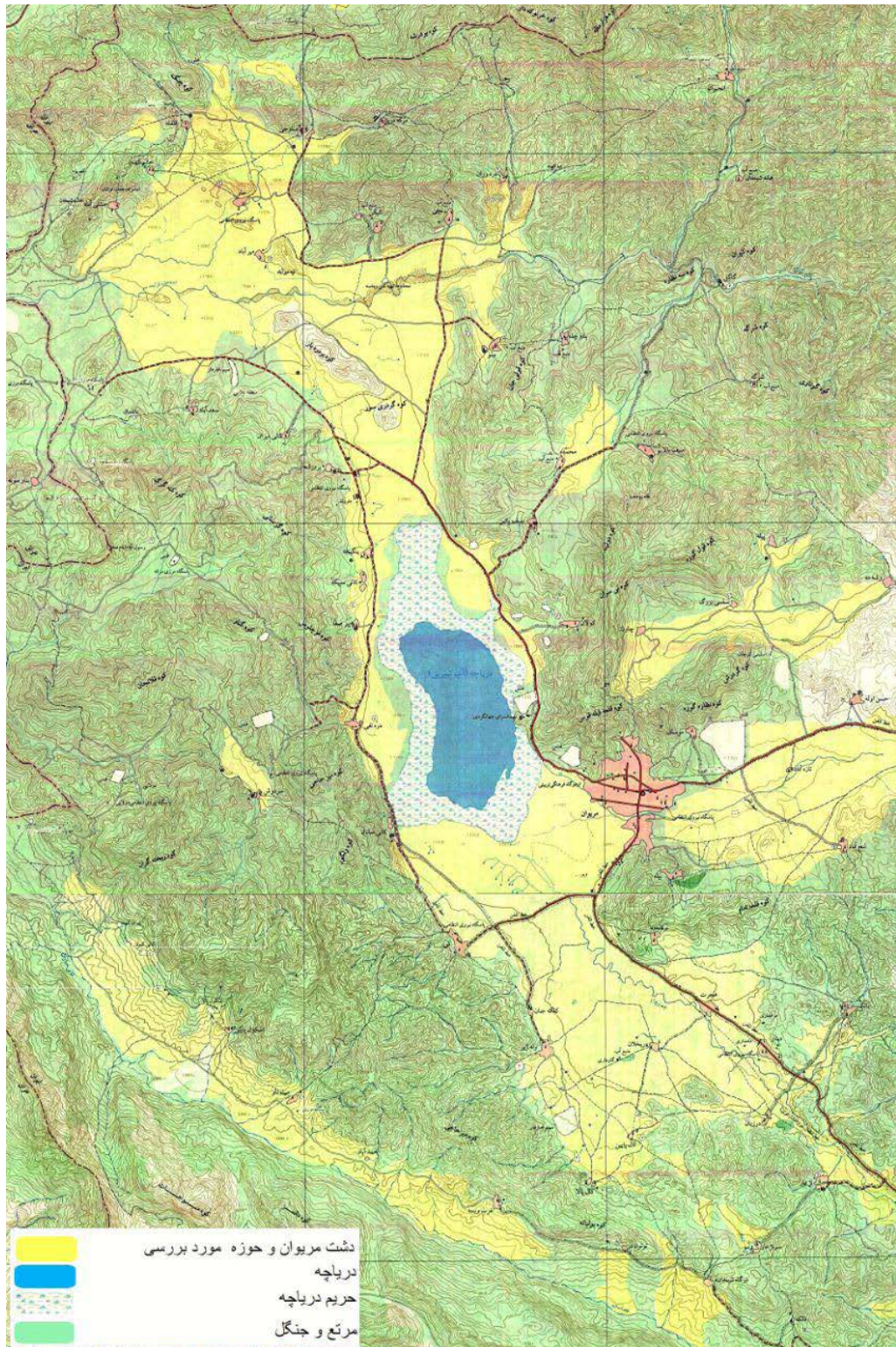


تصویر ۱. موقعیت شهرستان مریوان و محدوده مورد بررسی، فضای قرمز رنگ (نگارندگان، ۱۳۹۷).

معرفی محوطه‌ها

تپه‌هه سیره‌گه‌وره (ML1)

اولین محوطه مس‌سنگی جدید به نام هه‌سیره‌گه‌وره (Hasera Gawra) تاحدی در حومه شهر مریوان واقع شده است. روستای لنج‌آباد امروزه نزدیک‌ترین منطقه مسکونی به این تپه است که در حدود ۸۰۰ متری شرق آن واقع شده است. این محوطه یک تپه کوچک است که چشمه‌ای در دامنه جنوبی آن واقع شده است (تصویر ۳). در میان پراکندگی سفال‌های سطحی برخی از نمونه‌های سفال منقوش سه‌گابی نیز وجود دارد که در بین نمونه‌های سفالی دوره میانی



تصویر ۲. دشت مریوان (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران).

مس سنگی طبقه بندی می‌شوند و به دوره میانی تعلق دارند (تصویر ۴). اما تعداد سفال‌های دوره‌های مس سنگی جدید غالب هستند (تصویر ۵). با توجه به مطالعات و تجزیه و تحلیل اولیه از پراکنش آثار سفالی محوطه، تاریخ نسبی این استقرار را عمدتاً متعلق به دوره مس سنگی جدید (LC3-4) و یا Godin VI 2 پیشنهاد می‌کنیم.



تصویر ۳. موقعیت تپه هه‌سیره‌گه‌وره (نگارندگان، ۱۳۹۷).



تصویر ۴. سفال‌های مس‌سنگی میانی و جدید هه‌سیره‌گه‌وره (نگارندگان، ۱۳۹۷).

تپه بیلو (ML2)

این محوطه تپه‌ای کوچک است که در ۳۰۰ متری جنوب شرقی تپه بیلو روستای کال سفلی (Bellou) واقع شده است (تصویر ۶). غالب قطعات سفالی این محوطه نیز همانند سفال‌های مس‌سنگی جدید تپه هه‌سیره‌گه‌وره است. اما در میان آن‌ها برخی نمونه‌ها با خطوط صاف افقی مشاهده می‌شود (تصویر ۷) که شبیه نمونه‌هایی است که در سوریه و اربیل (کردستان عراق) یافت می‌شوند (Stein & Alizadeh, 2013-2014). تاریخ نسبی پیشنهادی برای این محوطه نیز دوره Godin VI 2 (LC3-4) است.



تصویر ۵. سفال‌های مس‌سنگی جدید هه سیره‌گه‌وره (نگارندگان، ۱۳۹۷).



تصویر ۶. موقعیت تپه بیلو (نگارندگان، ۱۳۹۷).

تپه هان‌الیاس (ML3)

این تپه در موقعیت ۸۸۰ متری از جنوب غرب روستای درزیان و در ۳۸۰ متری غرب رودخانه کلین‌کبود واقع شده است (تصویر ۸). ابعاد این تپه ۷۰ دره ۶ متر و ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف ۲ متر است که در اثر فعالیت‌های کشاورزی و تسطیح آن، از ارتفاع اصلی آن کاسته شده است. همچنین عبور لوله‌های آبیاری تحت فشار از روی این تپه به شدت آسیب‌های جبران‌ناپذیری را وارد کرده است. این تپه برای اولین بار در بررسی‌های هیئت دانشگاه بوعلی‌سیناای همدان مورد بررسی قرار گرفت و دوره پیشنهادی برای آن را دوران تاریخی و دوره مس‌سنگی جدید، اما با سفال دالما عنوان کرده‌اند (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۸۱: ۸۰)، در حالی که سفال دالمایی متعلق به دوره مس‌سنگی میانی است. در بازبینی مجدد ما در برنامه بررسی ۱۳۹۷ ش. از تپه مشخص شد که این محوطه چند دوره‌ای است. علاوه بر آثار دوره مس‌سنگی میانی با شاخصه سفال منقوش دالما-سه‌گابی (تصویر ۹)، دارای شاخص‌های سفالی از دوره مس‌سنگی جدید (LC3-4 یا Godin VI 2)، (تصویر ۱۰) است.



تصویر ۷. سفال مس سنگی جدید تپه بیلو (نگارندگان، ۱۳۹۷).



تصویر ۸. موقعیت تپه هان الیاس (نگارندگان، ۱۳۹۷).

تپه وهسا (ML4)

تپه وهسا (Vassa) در ضلع جنوبی روستای ساوجی در شمال دشت مریوان واقع شده است (تصویر ۱۱). ابعاد این تپه ۱۸۰ دره ۱۲ متر و ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف ۲/۵ متر است. در میان محوطه‌های مورد بررسی دوره مس سنگی جدید، این تپه نزدیک‌ترین استقرار به مرز ایران و عراق است. قطعات سفالی پراکنده بر روی سطح این تپه نمونه‌های سفال مس سنگی جدید است که قدمت آن به دوره LC می‌رسد (تصویر ۱۲). این محوطه برای اولین بار در بررسی سال ۱۳۹۷ ش. مورد شناسایی قرار گرفت و قبل از آن گزارش نشده است. متأسفانه این تپه به علت دخل و تصرف‌های انسانی اخیر مانند ساخت وساز و فعالیت‌های کشاورزی در معرض خطر جدی است. همانند دیگر استقرارهای LC از منطقه مریوان، این تپه نیز در کنار رودخانه کوچکی واقع



تصویر ۹. سفال مس سنگی میانی و جدید تپه هان الیاس (نگارندگان، ۱۳۹۷).



تصویر ۱۰. سفال مس سنگی جدید تپه هان الیاس (نگارندگان، ۱۳۹۷).

شده که در ضلع شمال غربی و غرب این تپه واقع شده و به نظر می‌رسد یک محل مسکونی باستانی در ارتباط با همین رودخانه است.

تپه چخماق‌آوی (ML5)

تپه چخماق‌آوی (Chakhmagh avi) در قسمت جنوبی دشت مریوان واقع شده است. این تپه در ۱۱۰۰ متری جنوب غرب روستای بالک و در مسیر جاده بالک به کانی‌دینار و در ۶۰ متری جنوب جاده قرار گرفته است. نهر بالک در ۳۰ متری جنوب این تپه قرار دارد و به طرف غرب در جریان



تصویر ۱۱. موقعیت تپه وه‌سا (نگارندگان، ۱۳۹۷).



تصویر ۱۲. سفال تپه وه‌سا (نگارندگان، ۱۳۹۷).

است. ابعاد تپه حدود 70×70 متر و ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف حدود ۳ متر است (تصویر ۱۳). سطح تپه دارای پوشش گیاهی متراکم است و زمین‌های دامنه شرقی و جنوبی آن مورد کشت واقع شده، اما دامنه غربی و شمالی آن باغ انگور و درختان ثمردار است. این محوطه ابتدا در سال ۱۳۸۱ ش. توسط هیئت بررسی باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینای همدان شناسایی و با نام تپه چخماق‌آوی ثبت شد. نمونه‌های شناسایی شده هیئت مذکور شامل سفال دالمای فشرده و سفال قرمز تاریخی است (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۸۱: ۸۲-۸۱). اما در بررسی ۱۳۹۷ ش. تپه بازنگری شد و گونه‌های سفالی آن شامل سفال منقوش دوره مس سنگی میانی و سفال مس سنگی جدید (تصویر ۱۴) مشاهده شد. تاریخ نسبی سفال‌های مس سنگی جدید این تپه متعلق به دوره LC3-4 یا VI 2 گودین پیشنهاد می‌شود.



تصویر ۱۳. موقعیت تپه چخماق‌آوی (نگارندگان، ۱۳۹۷).



تصویر ۱۴. سفال تپه چخماق‌آوی (نگارندگان، ۱۳۹۷).

تپه میرویس (ML6)

این تپه برای اولین بار توسط هیئت باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینای همدان شناسایی شد و تاریخ پیشنهادی آن‌ها متعلق به مرحله دالما با شاخصه سفال فشاری دالما و سفال دوره تاریخی است (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۸۱: ۸۴). تپه میرویس (Mir vais) تپه‌ای کوچک است که در حدود ۲۰۰ متری شرق تپه چخماق‌آوی واقع شده است (تصویر ۱۵). در میان داده‌های نمونه‌برداری شده توسط نگارندگان، سفال لبه اسلشی و نمونه‌ای از سفال بین‌النهرینی دسته‌دماغی وجود دارد. همچنین بر روی سطح تپه چند نمونه جوش کوره سفال‌گری مشاهده شد که احتمالاً نشانگر تولید محلی سفال در این محوطه است (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۵. موقعیت تپه میرویس نسبت به تپه چخماق‌آوی (نگارندگان، ۱۳۹۷).

تپه ره‌شه (ML7)

این تپه در حومه شهر میوان و در داخل پادگان تیپ ۳۲۸ شهید عبادت ارتش جمهوری اسلامی ایران واقع شده است. ابعاد آن ۳۹۰×۴۸۰ متر و ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف ۳۱ متر است (تصویر ۱۷). این تپه در نزد اهالی منطقه با نام تپه ره‌شه (Rasha) و در مجموعه نظامی ارتش با نام تپه جنوبی یا تپه بستک شناخته شده است. آثار سفالی دامنه غربی تپه شامل سفال نوع اوروک و شاخصه آن سفال با لبه‌واربخته و لبه اسلشی است (تصاویر ۱۸، ۱۹ و ۲۰). این تپه از وضعیت حفاظتی نامطلوبی برخوردار است و دلیل آن قرار گرفتن این تپه در محدوده پادگان ارتش و ساخت‌وسازهای بدون مجوز بر روی عرصه آن است. یک سازه فلزی بزرگ بر رأس تپه ایجاد شده و یک مسیر خاکی ماشین‌رو جهت دسترسی به رأس تپه در بخش غربی تپه احداث شده است. از اقدامات لازم جهت نجات این اثر ارزشمند، ثبت آن در فهرست آثار ملی و خارج کردن آن از محدوده پادگان ارتش میوان و اخذ مجوز برنامه تعیین عرصه و پیشنهاد حریم برای این تپه است. تاریخ نسبی پیشنهادی برای این تپه دوره LC5 یا Godin VI 1 است.



تصویر ۱۶. سفال تپه میرویس (نگارندگان، ۱۳۹۷).



تصویر ۱۷. موقعیت تپه ره شه (نگارندگان، ۱۳۹۷).

بحث و تحلیل

از جمله جالب‌ترین نتایج به دست آمده از بررسی محوطه‌های هزاره چهارم قبل از میلاد دشت مریوان (تصویر ۲۱) که می‌تواند مورد بحث قرار گیرد این است که به طرز جالبی هیچ محوطه‌ای مربوط به اوایل این هزاره (LC2) شناسایی نگردید. این در حالی است که در مناطق دیگر استان وضعیت بدین صورت نبوده و محوطه‌های زیادی از این دوره (LC2/گودین VI3-VII) گزارش

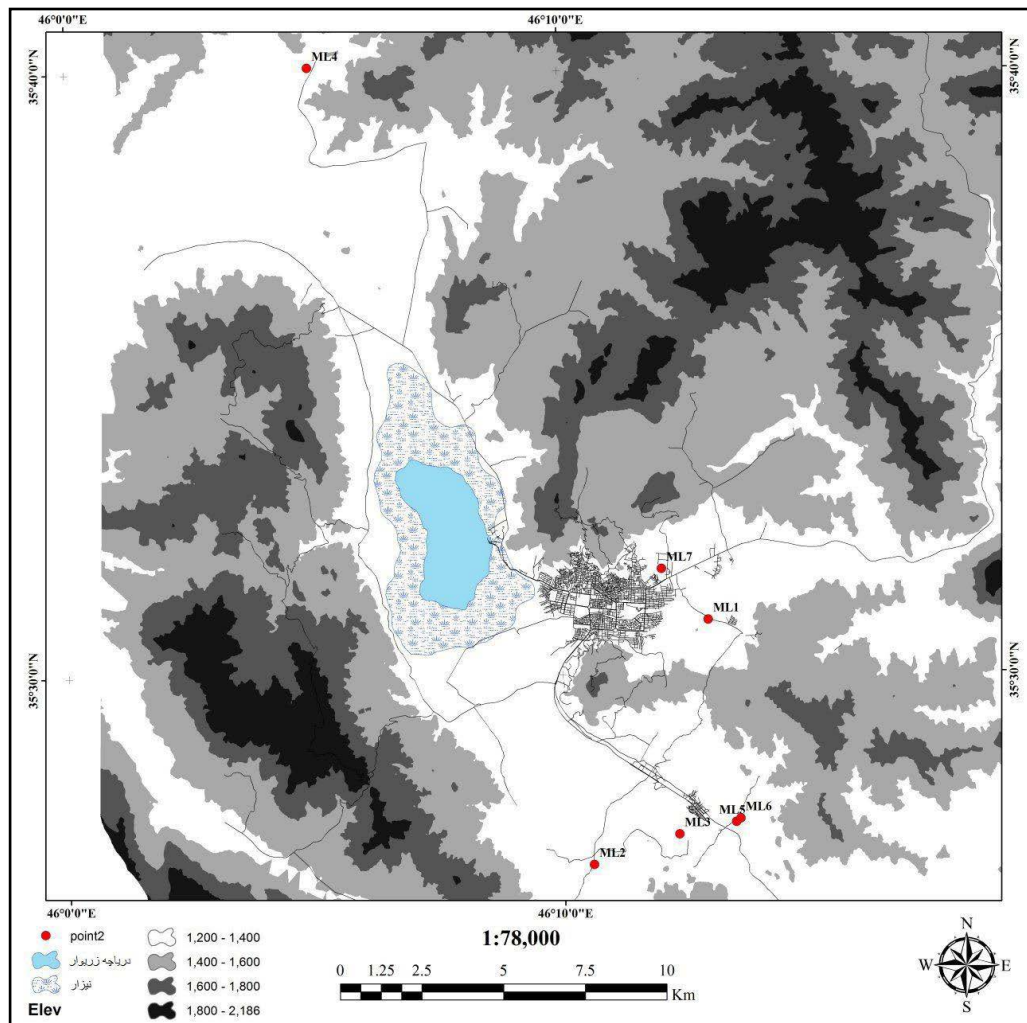


تصویر ۱۸. سفال تپه ره‌شه (نگارندگان، ۱۳۹۷).



تصاویر ۱۹ و ۲۰. سفال تپه ره‌شه (نگارندگان، ۱۳۹۷).

شده‌اند. تمامی محوطه‌ها به‌غیر از تپه ره‌شه مربوط به دوره گودین VI/2 (LC3-4) هستند. هرچند که دوره پیشنه‌ادی ما تقریباً با بازه زمانی پیشنه‌ادی برای دوره اوروک میانی در بین‌النهرین مطابقت دارد، ولی شواهدی دال بر اوروکی بودن این محوطه‌ها به‌دست نیامده و همان‌طور که ذکر شد، به‌نظر می‌رسد این محوطه‌ها استقرارهای معمولی یکجانشین دوره مس‌سنگی جدید منطقه هستند. تنها در اواخر این هزاره است که شاهد تأثیرات فرهنگ‌های بین‌النهرینی در منطقه هستیم و نمونه بارز آن شواهد تپه ره‌شه است که متأثر از سفال‌های شاخص لبه‌ورایخته گونه بین‌النهرینی می‌باشد. تاریخ پیشنه‌ادی ما برای این تپه، دوره گودین VI 1 (LC5) است. لازم به ذکر است که تاریخ پیشنه‌ادی ما با تاریخ ارائه‌شده برای سازه بیضوی شکل تپه‌گودین



تصویر ۲۱. نقشه پراکندگی استقرارهای دوره مس سنگی جدید دشت مریوان (نگارندگان، ۱۳۹۷).

مطابق است (Young, 1965; Young & Levine, 1974). این مطلب نشان می‌دهد که در منطقه مریوان نیز در اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد شاهد تأثیرات واقعی فرهنگ اوروک هستیم و فرهنگ‌های قبل از آن در طول این هزاره بیشتر سنت‌های محلی زاگرس مرکزی هستند. البته لازم به ذکر است که بحث و جدل‌های زیادی بر سر نوع کاربری سازه بیضی‌شکل گودین وجود دارد (Weiss & Young, 1975, Matthews, 2006, Rothman & Badler, 2011) و ما امیدواریم که با مطالعات و کاوش‌های آتی در تپه ره‌شه مریوان نیز شاهد این بحث و جدل‌ها باشیم.

نتیجه‌گیری

آن‌گونه که از مباحث بالا مشخص است، به دلیل وجود نداشتن محوطه‌های کاوش‌شده این دوره در منطقه، ما به ناچار از جدول گاه‌نگاری تپه‌گودین در مطابقت با گاه‌نگاری شمال بین‌النهرین برای تاریخ‌گذاری پیشنهادی محوطه‌ها استفاده کرده‌ایم. این درحالی است که به نظر می‌رسد این منطقه از نظر فرهنگی نمی‌تواند در حوزه فرهنگی گودین در زاگرس مرکزی قرار گیرد. آنچه که واضح است اطلاعات ما از آثار این دوره بسیار ناقص و ناچیز است و میزان اطلاعات منتشرشده از آثار این دوره در منطقه نیز به همین صورت است. در واقع مطلب نگاشته‌شده از جمله اولین

مطالب نگاشته شده است که به دوره مس‌سنگی جدید اختصاص داده شده است. مطمئناً انجام بررسی‌های بیشتر و نیز کاوش در تعدادی از این محوطه‌ها و به‌ویژه تپه ره‌شه که شواهد قطعی‌تری را از ارتباطات فرامنطقه‌ای نشان داده، می‌تواند بسیاری از مسائل و مشکلات مطالعات این دوره در منطقه را برطرف کند.

سپاسگزاری

نگارندگان از پیشنهاد‌های سازنده‌ی دکتر امیرسعد موچشی که در نگارش مقاله یاری‌گر بوده است، صمیمانه سپاسگزاریم.

کتابنامه

- ساعدموچشی، امیر (۱۳۹۰). «بررسی الگوهای استقراری محوطه‌های دوران مس‌وسنگ شرق استان کردستان (حوزه آبگیر رودخانه قزل‌اوزن». رساله دوره دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران.
- ساعدموچشی، امیر؛ نیکنامی، کمال‌الدین؛ مشکور، مرجان؛ فاضلی‌نشلی، حسن؛ و فیروزمندی‌شیره‌جینی، بهمن (۱۳۹۰). «گاهنگاری نسبی و مطلق تپه کلنان بیجار: محوطه‌ای متعلق به دوره مس‌وسنگ میانه در غرب ایران». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. شماره اول، دوره اول. صص: ۵۶-۳۱.
- مترجم، عباس؛ و شریفی، مهناز (۱۳۹۷). «فرآیند گذار از سنت‌های فرهنگی نوسنگی جدید به مس و سنگ قدیم در پسرکرانه‌های شرق زاگرس مرکزی». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. دوره هشتم. شماره ۱۶. بهار ۱۳۹۷. صص: ۱۰۲-۸۳.
- محمدی‌فر، یعقوب؛ و مترجم، عباس (۱۳۸۱). «بررسی باستان‌شناسی شهرستان مریوان». مرکز اسناد اداره کل میراث‌فرهنگی و گردشگری استان کردستان (گزارش منتشر نشده).
- محمدی‌فر، یعقوب؛ و مترجم، عباس (۱۳۹۴). «مریوان، از دوره پارینه‌سنگی میانه تا دوره مس‌سنگی براساس بررسی‌های باستان‌شناسی». مفاخر میراث فرهنگی ایران: جشن‌نامه دکتر صادق ملک‌شهمیرزادی. به‌کوشش: مرتضی حصار، تهران: پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری و دانشگاه هنر اصفهان. صص: ۱۰-۳.
- ملکی، سعید؛ و حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۸۶). «بررسی تغییرات کاربری اراضی شهری در یک دوره ده‌ساله (۱۳۷۲-۱۳۸۲) در طرح جامع و تفصیلی شهر ایلام». دوفصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای. شماره ۸. بهار و تابستان ۱۳۸۶. صص: ۹۳-۶۵.

- Algaze, G. (1993). *The Uruk World System: The Dynamics of Expansion of Early Mesopotamian Civilization*. Chicago, University of Chicago Press.

- Matthews, R. (2006). "The Administrative Activity and Technology at Godin Tepe in the Later Forth Millennium B.C". *In Proceeding of the international symposium on Iranian archaeology: Western region (Kermanshah)*. Tehran. ICAR.

- Rothman, M & Badler. V. G. (2011). "Contact and development in Godin period VI". *On the High Road: The History of Godin Tepe*, Hilary Gopnik and Michell Rothman (eds), Mazda Publisher. Royal Ontario Museum

- Stein, Gil. J. & Alizadeh, A. (2013-2014). "SUREZHA, KURDISTAN, intrudeuction: The Origins of Towns and social Complexity in Northern Mesopotamia

in the Chalcolithic Period , 5300-3500 BC”. *ANNUAL REPORT* (2013-2014). pp: 133-146.

- Weiss, H. & Young, T. C. Jr. (1975). “The merchants of Susa: Godin V and plateau–lowland relations in the fourth millennium B.C”. *IRAN* 13. pp: 1–17.

- Young, T. C. Jr. (1965). *Excavation at Godin Tepe: first progress report*. Toronto, Royal Ontario Museum.

- Young, T. C. Jr. & Levine, L. D. (1974). *Excavation at Godin Tepe: second progress report*. Toronto, Royal Ontario Museum.

Archive of SID